

دانشنامه جهان اسلام

د

داعی احمد بن ابراهیم - دکان

(۱۷)



زیر نظر

غلامعلی حداد عادل

سازنده علمی

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۹۱

کتابخانه و اسناد الهیات و انکاد نیروزی
شماره ثبت: ۷۵۷.۷
تاریخچه: ۹۴, ۳, ۱۲

دروع، طایفه‌ای در عمان از اعراب شمالی / عدنانی. دروغ (مفرد آن الدرعی) از زیرشاخه‌های قبیله بزرگ غفاری است که نسب آن از طریق ذیابن مالکین بنه به عدنان* می‌رسد (خروسی، ص ۲۷۷-۲۷۸). این طایفه به ۲۴ زیرشاخه (قَحْظ) تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آنها الخراونه، بنوحناس و الهواتی هستند (مایلز، ص ۴۲۴؛ واتلی، ج ۲، ص ۵۵۱). در منابع متعلق به پیش از قرن سیزدهم، نامی از آن یافت نشده است. اما از قرن سیزدهم بدین سو که جهانگردان اروپایی به عمان سفر کرده‌اند، نام دروغ وارد منابع شده است (لاریمر، ج ۷، ص ۳۶۶، مایلز، ص ۳۷۹، ۴۲۴).

دروع در آغاز در رُبع الخالی* به صورت بادیه‌نشی زندگی می‌کردند، اما گروهی از آنان تا اوایل قرن چهاردهم یکجانشین شدند (لاریمر، همانجا؛ مایلز، ص ۴۲۴). ظاهراً مذهب کوچ‌نشینان دروغ خارجی لیاضی و یکجانشینان تنس بود (لاریمر؛ مایلز، همانجا؛ رنتز، ص ۱۴۸). در اوایل همین قرن، کسل جمعیت دروغ قریب هفت هزار تن بود (لاریمر؛ سدیدالسلطنه، ص ۱۷-۱۸؛ لاریمر، همانجا؛ قس مایلز، همانجا؛ شانزده هزار نفر، که اغراق‌آمیز می‌نماید).

تعیین منطقه تحت سکونت دروغ با شاخص عارضه‌های طبیعی، به‌طور کامل ممکن نیست. سکونتگاه این طایفه از شمال به سرزمین بدویان آل‌بوشامس، از شرق به قلمرو بدویان الجنبه و آل‌وهیبیه و از جنوب غربی و غرب به صحرای رُبع الخالی محدود بود (رنتز، ص ۱۴۶؛ مایلز، ص ۳۸۶؛ لاندن، ص ۳۶). طایفه دروغ بیشتر در مساحتی چون تنعم، العرف، وجران، فیحه، الطویین، وادی آسود، وادی الزبره، نته، فهد، جباوی، مسروق، الخویره، وادی العین، الهواشم، خمیله، صفیحاء، ذمه، قصبه، الشبکه، غویقه و الصفا سکونت داشته‌اند که امروزه از توابع شهرهای عبری^۵ و یهلئاند (لاریمر، ص ۳۶۰، ۳۶۶؛ کمال هاشم حمود، ص ۸۸). گروهی دیگر از طایفه دروغ نیز در توابع نزوا^۶ سکونت داشتند (خروسی، ص ۳۲۵؛ کمال هاشم حمود، همانجا). بخشی از منطقه تحت سکونت این طایفه به حمراء دروغ یا الحمراء معروف است که با دیگر نواحی تحت سکونت ایشان امروزه غالباً جزو دو استان ظاهره و داخلیه در کشور عمان محسوب می‌شود (لاریمر؛ سدیدالسلطنه، ص ۱۸؛ نیایی، ج ۱، ص ۶۶).

در قرن سیزدهم، پیشه اصلی کوچ‌نشینان دروغ پرورش گوسفند، خر و شتر بود (لاریمر، ص ۳۸۹؛ لاندن، ص ۳۳) که به سبب همین پیشه در بیابانها پراکنده بودند. عدم پایبندی طایفه به قوانین که با قبیله آل‌وهیبیه در نزاعی دائمی بودند (رنتز،

ص ۱۴۷)، محتملاً به سبب همین شغل آنان بوده است (لاریمر، همانجا؛ مایلز، ص ۴۲۴).

شهرت طایفه دروغ در سراسر شبه‌جزیره عربستان به سبب مرغوبیت شتران پرورش یافته در این قبیله بود که غالباً در بازارهای داخلی عمان به فروش می‌رسید (مایلز، ص ۳۸۹، ۴۲۴؛ رنتز، ص ۱۴۸). افزون بر پرورش حیوانات، استخراج نمک و فروش آن در شهرهای عمان به‌ویژه عبری و نزوا از دیگر اشتغالات این بادیه‌نشینان بود. معادن نمک این طایفه در شرق رُبع الخالی قرار داشت که از معروف‌ترین آنان قاره‌الملح از آن یکی از بزرگان دروغ موسوم به سلطان‌بن مَطَر بود. همچنین، طایفه دروغ از منطقه مذکور گوگرد نیز استخراج می‌کرد که آن را در زمان بیماری خجرب شتران خود به کار می‌برد. استفاده دیگر گوگرد استخراج شده، در اسلحه‌های آتشین ابتدایی این بدویان بود (رنتز، ص ۱۴۷-۱۴۸). اما از پیشه یکجانشینان دروغ تا نیمه دوم قرن سیزدهم اطلاعی در دست نیست. با وجود این، در اوایل قرن چهاردهم کشاورزی در مناطق تحت سکونت آنان رونق داشت که از جمله محصولات متنوع کشاورزان، خرما، انبه، موز، انار، خربزه، لیمو، شکر، پادام، گندم و جو بود (مایلز، ص ۳۷۹-۳۸۰). افزون بر این، گروهی از این یکجانشینان در بازار شهرهای اطراف خود همچون نزوا، به تجارت مشغول بودند (رنتز، ص ۱۴۷). سرانجام با استخراج نفت در مناطق مختلف عمان، بسیاری از طایفه دروغ در مشاغل صنعت نفت مشغول به کار شده‌اند (لاریمر؛ عائشه علی سیار، ص ۱۳۵؛ کمال هاشم حمود، ص ۸۹).

تشابه لفظی دروغ با آل‌درع، از خویشاوندان آل‌سعود، حاکمان امروزی عربستان، موجب وجود پندار ارتباط میان این دو ملده است (رنتز، ص ۱۴۸). اما شهرت آل‌درع به این عنوان، به سبب انتسابشان به منطقه الدرعیه - نزدیک ریاض* و نخستین پایتخت خاندان سعودی - است (همانجا). براین اساس ارتباط بین طایفه دروغ با آل‌درع بعید به نظر می‌رسد.

به جز عمان، طوایفی نامشهور در مصر و عراق نیز، به دروغ موسوم‌اند. در عراق طایفه دروغ از زیرشاخه‌های قبیله بنی‌منصور است (واتلی، ج ۲، ص ۵۵۰). طایفه دروغ در مصر شاخه‌ای از طایفه بزرگ‌تر لیبید است که لیبید خود از قبیله بزرگ سلیم‌بن منصور، از اعراب عدنانی، محسوب می‌شود (کحاله، ذیل مساقه). امروزه این طایفه در مصر به همراه دیگر زیرشاخه‌های لیبید در برقه، شرق کشور لیبی، ساکن هستند (حوتی، ص ۲۴۸؛ واتلی، همانجا).

منابع: سعد اوسیف حوتی، الموسوعة العلمية فی انساب القبائل

اخلاق، روان‌شناسی، فقه و حقوق محل توجه و بررسی بوده‌است. اگرچه معنای تعریف دروغ در همه این حوزه‌ها مشترک است، هر یک رویکردی متناسب با موضوع و مقاصد خود به آن داشته‌اند. در این مقاله، بیشتر به معنای اخلاقی دروغ می‌پردازیم و به آن به عنوان یک خُلق و خوی ناپسند نظر می‌کنیم (برای معنای دروغ در منطق و معرفت‌شناسی به صدق و کذب^۱؛ برای برخی آموزه‌های عرفانی به صدق^۲؛ برای نظریه‌های اصلی در فلسفه‌های اخلاق به پاک^۳، ص ۱۲۱-۳۲؛ اسمیت^۴، ص ۳۳-۱۷، در دین و اخلاق، ذیل "Lying").

از دیدگاه اخلاقی دو پرسش در خصوص هسته اصلی مفهوم دروغ در تعریفهای مرسوم، یعنی «مطابقت نداشتن خبر با واقعیت» قابل طرح است: نخست اینکه آیا دروغ فقط راجع به حوزه گفتار و اخبار زبانی است؟ و دوم اینکه آیا در آن، آگاهی فرد دروغ‌گو به مطابقت نداشتن خبرش با واقعیت شرط است یا نه؟ گرچه بیشتر تعریفها دروغ را فقط به حوزه گفتار محدود کرده‌اند، می‌توان گفت که در عمل با رفتارهای مختلف غیرگفتاری نیز می‌توان چیزی را به مخاطب القا کرد که واقعیت ندارد. بنابراین، دایره شمول دروغ فراتر از اخبار گفتاری است (برای تعریفهای متعارف دروغ به راغب اصفهانی، همانجا؛ قیومی، ذیل «کذب»؛ جرجانی، ص ۱۵۲؛ برای نمونه‌ای از مصادیق دروغ در حوزه‌های مختلف به ادامه مقاله؛ برای مباحث تحلیلی درباره دروغهای غیرگفتاری به امام خمینی، ج ۲، ص ۴۰-۳۳؛ اسلامی، ص ۶۱-۵۶). درباره پرسش دوم، گروهی معتقدند که برای دروغ بودن یک قول یا فعل، علم گوینده به مطابقت نداشتن آن با واقع شرط نیست و صرف اینکه سخن یا فعل واقعی نباشد برای دروغ بودن آن کافی است. چنان‌که مثلاً اعتقاد مشترکتی که برای خدا فرزند قائل شده‌اند، در قرآن (کهف: ۵) دروغ خوانده شده‌است، حال آنکه آنان به بطلان اعتقادشان آگاهی نداشته‌اند (برای نمونه آرای کسانی که معیار دروغ را فقط مطابقت نداشتن با واقع می‌دانند به فخررازی، ذیل کهف: ۵؛ تفتازانی، ص ۴۳-۳۸). گروهی دیگر که بنابه گزارش تفتازانی (ص ۲۰-۴۱) جاحظ در رأس آنهاست، در مقابل، لزوم آگاهی گوینده به خلاف واقع بودن سخن را به تعریف دروغ افزوده‌اند تا میان دروغ و خطای ناشی از جهل تمایز نهند (به نهانوی، همانجا). مطابق این نظر، میان صدق و کذب خیر، می‌توان واسطه در نظر گرفت، یعنی خبری که نه صادق است و نه کاذب به این دلیل که گوینده خیر، به مطابقت یا عدم مطابقت قول خود با واقعیت، آگاهی ندارد. در رد این نظر، گفته شده که اگر گوینده به صدق یا کذب قول خود، آگاهی ندارد، شاید اصلاً

العربیة، [بی‌جا، ۲۰۰۲] سلیمان بن خلف غروسی، ملامح من التاریخ العُماني: وفاة عُمان و انصافاً لتاریخنا، السبب، عمان ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ روح رستو، عُمان و الساحل الجنوبي للخليج الفارسی، قاهره ۲۰۰۳/۱۴۲۳؛ محمد علی مهدی‌السلطنه، تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آنها با ایران، چاپ احمد اقتداری، تهران ۱۳۷۰ ش؛ سالمین حمود سیاهی، عُمان عبرالتاریخ، [مسقط] ۲۰۰۱/۱۴۲۱؛ عاتشه علی مبارک، دولة البعارة فی عُمان و شرق افریقا، بیروت ۱۹۷۵؛ عمر فراس کماله، معجم قبائل العرب القديمة و الحديثة، بیروت ۱۹۸۲/۱۴۰۲؛ کمال هاشم حمود، الاطلس الاسلامی الجدید؛ الجغرافی، حلب دارالعلم العربی، [بی‌تا]؛ عبدالحکیم والی، موسوعة قبائل العرب، عُمان ۲۰۰۲؛

Robert Geran Landen, *Oman since 1856: disruptive modernization in a traditional Arab society*, Princeton, N. J. 1967; J. G. Lorimer, *Gazetteer of the Persian Gulf, 'Oman' and central Arabia*, Buckinghamshire 1986; Samuel Barrett Miles, *The countries and tribes of Persian Gulf*, London 1966.

۱. مرتضی دانشیار /

دروغ، از رذایل اخلاقی. دروغ از مفاهیم روشن در حوزه اخلاقی است که معنای آن عموماً به صورت شرح اللفظی با عبارتهایی چون «خلاف واقع و راست»، «آنچه حقیقت ندارد» و «فرب دادن دیگران» بیان می‌شود (به نهانوی، ذیل «صدق»؛ داعی‌الاسلام، ذیل واژه؛ برهان، ج ۲، ص ۸۴۳، بنائویس؛ دهخدا، ذیل واژه؛ «دایرةالمعارف قرآن»، ذیل "Lie")، واژه دروغ در زبان فارسی باستان و پهلوی شبیه به شکل امروزی آن و به همین معنا وجود داشته‌است و در فارسی امروزی به دو صورت اسمی و وصفی به کار می‌رود (به برهان، همانجا؛ فرهنگ بزرگ سخن، ذیل واژه). متداول‌ترین مترادف دروغ در زبان عربی، کذب است که عموماً به صورت «خلاف صدق» تعریف می‌شود (به جوهری؛ ابن‌فارس؛ راغب اصفهانی، ۱۹۶۱؛ ابن‌منظور، ذیل «کذب»). در میان لغت‌شناسان زبان عربی، ابوهلال عسکری (ص ۴۵۰) معناشناسی دقیق‌تری از ریشه کذب به دست داده و بیان کرده‌است که اصل کذب به «تقصیر» بازمی‌گردد؛ درعین حال لغوی معاصرش، ابن‌فارس (همانجا) تقصیر را از مصادیق کاربرد کذب دانسته‌است، نه اصل و ریشه آن (برای سایر مترادفهای دروغ در زبان عربی و ادبیات قرآنی و معنای آنها به ادامه مقاله).

دروغ به‌عنوان مفهوم مقابل راست یا صدق در حوزه‌هایی مختلف مانند منطق، معرفت‌شناسی، اخلاقی، فلسفه‌های